

بخش دوم

از مینیاتور تا کاریکاتور



سیدسعید رسولی

سهم کمال‌الملک در این میان [گذشتن آشکار از قیود سنتی] قاطعیت او بود در اخذ کامل فن و سنت نقاشی غربی و در این راه، از حیث مهارت فنی و رعایت همه اصول و قواعد هیچ کم و کسری نگذاشت؛ اما شمایل کمال‌الملک به این امر، بیش از آن که منحصر به نیت و خواست شخصی او مربوط شود، به دو زمینه اساسی بر می‌گردد:

اول به حرکت کلی تاریخی ایران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در آغاز عصر قاجاریه با شدت تمام به سوی غربی‌شدن می‌شستافت و دوم به تمدن فراگستر غرب که با به استعمار درآوردن آسیا، به اوج تهاجم خود رسیده بود و همراه با حرکت خردکننده‌اش، مبانی فرهنگی، تصویری و هنری‌اش را نیز جایگزین سنت‌های دیرینه محلی می‌کرد. نظیر این حادثه در هند، چین، ژاپن و عثمانی نیز اتفاق افتاد و غربی‌شدن نقاشی سنتی آنان را گریزناپذیر ساخت...

در چنین شرایطی که اهل فرهنگ و صاحبان ذوق، بیش از مینیاتورهای شیرین و دلکش بهزاد یا مینیاتورهای تلخ و دلگرازی سلطان محمد، مفتون دیوارنگاره‌های کلیساهای جلفای اصفهان یا کپی‌های باسماهای اروپایی هستند، روزنامه‌ها از آن سوی مرزها می‌آیند. از هند و قاهره و باکو و استانبول، و نیز از پاریس و لندن و وین این نشریات، تصاویر ساده‌ای دارند که اصلاً واقعی نیست، اما به شدت معطوف به واقعیت و نقد و هجو آن است.



کاریکاتور، همزمان با تغییر ذائقه هنرهای ایرانیان و در سایه گسترش رئالیسم در نگارگری، همزاد مطبوعات نوینی است که پای به زندگی ایرانیان می‌گذارد. نسیم مطبوعات، به‌زودی به توفان انقلاب مشروطه بدل می‌شود. مخاطب روزنامه‌ها، توده مردم‌اند، لذا هنر و فرهنگی را که با خود می‌آوردند، تعمیم بخشیده و به هنرهای مردمی بدل می‌کنند. از این منظر، کاریکاتور، دستاوردی دیگر از آشنایی ما با غرب بوده است و تا این زمان، حدود یکصد و بیست سال از آشنایی اولیه ایرانیان با این نوع نگاره مطبوعاتی می‌گذرد.

در اینجا پیش از توضیحات دقیق تر در باره کاریکاتور و ظهور آن در مطبوعات و فضای فرهنگی و ذهنی ایرانیان، لازم است توضیحاتی بدهم درباره ماهیت و چیستی یا به اصطلاح تعریف کاریکاتور، ریشه‌یابی کاریکاتور، در معنای مورد نظر ما، یعنی تصاویر طنزآلود و مضحکه‌های انتقادی به‌صورت نقش‌های اغراق‌شده و استعاری، مانند اغلب ابداعات نوین فرهنگی و هنری ایرانیان، تعلق به مقدمات و الزامات انقلاب مشروطیت دارد. در دائرةالمعارف هنر، در تعریف کاریکاتور چنین آمده است:

«CARICATURE ایتالیایی: [CARICARURA] بازنمایی اغراق‌آمیز کفش یا ویژگی‌های اشخاص به‌منظور آن که مضحک جلوه کنند. به‌طور معمول، چون وسیله‌ای برای هجو و طعن اجتماعی و سیاسی به‌کار برده می‌شود. آینه‌آله کارآنجی برای نخستین بار در سده هفدهم، این اثر، را به طراحی‌های خودش و سایر اعضای آکادمی بولونیا اطلاق کرد. او بر این عقیده بود که با مبالغه در خصوصیات قیافه یک فرد می‌توان شباهت را بارزتر نمود.

تاریخ کاریکاتور، به نقاشی‌های مسخره‌آمیز یونان و روم باستان بازمی‌گردد؛ و نمونه‌های پیشین آن را در مجسمه‌ها و تصاویرهای گروتسک قرون وسطا و برخی تمرین‌های سیماشناسی لئوناردو داوینچی می‌توان یافت. کاریکاتور در مطبوعات سده‌های نوزدهم و بیستم بسیار رایج شده است. هوگارت، گویا، دمی، گرس از جمله هنرمندانی بودند که در این زمینه آثاری برجسته آفریدند.

در زبان انگلیسی، واژه «کارتون» را نیز در همین معنا به‌کار می‌برند.

چون پسای واژه کارتون هم به میان کشیده شد، توضیحی بر این اصطلاح هم نقل می‌کنیم: «کارتون CARTOON، اصطلاحی است با دو معنای متفاوت؛ در اصل، ایمن واژه را در مورد طراحی یا نقاشی مقدماتی برابر مقیاس و دقیق برای دیوارنگاره‌ها، نقش‌بافت‌های دیوارکوب، شیشه‌نگاره‌ها، و پرده‌های نقاشی به‌کار می‌برند. نمونه مشهور آن در این معنا، کارتون‌های رافائل است که برای نقش‌بافت‌های دیوارکوب نمازخانه سیستین تهیه شده بودند. از دیگر نمونه‌های مشهور، کارتون مریم و مسیح کودک و حنا قدیسه اثر لئوناردو

داوینچی قابل ذکر است. امروزه، واژه کارتون در مورد طرح‌های هزل‌آمیز و نکته‌دار - غالباً سیاسی - به‌کار برده می‌شود. معادل کاریکاتور.

بی‌شک برخی فرهیختگان و تجار و سفرای ایرانی با روشنفکران فراری در کشورهای میانجی - نظیر عثمانی - از طریق جراید فرنگی، با کاریکاتور آشنا شده بودند، اما توده مردم ایران و فعالان فرهنگی و انقلابی در داخل کشور، از طریق روزنامه معروف ملانصرالدین که از قفقاز به ایران آمد، با کاریکاتور ارتباط برقرار کردند.

این نشریه، از آن جهت که توسط عده‌ای از نویسندگان مسلمان و همسایه تهیه می‌شد، به سرعت و سهولت بیشتری وارد ایران شده و به دست مردم می‌رسید و منشأ تحولات بزرگی در مطبوعات و فرهنگ عمومی ایران شد. نوشته‌های انتقادی و انقلابی این نشریه و توجه خاص نویسندگان و تصویرگرانش به فضای خاص زندگی مردمان قفقاز و ایران، برای خوانندگان جالب بود.

«ملانصرالدین» برنده‌ترین حربه را انتخاب کرده و از شیوه جدید در ادبیات و هنر، یعنی «طنز رئالیستی» در قالب مقالات، اشعار و تصاویرش با آگاهی و قدرت استفاده می‌نماید. وی دشمن جهل و موهوماتی است که سالیان سال به مردم تحمیل شده و مانع رشد فکری و اجتماعی آنان گردیده است. آثارش همچون این‌ها تمام‌نما، معایب و زشتی‌ها و کج‌فکری‌های مردم را به آنها نشان می‌دهد:

«برادران، وقتی که روزنامه را به دست دارید و قه‌قه‌ها خنده‌تان به آسمان رفته و چشمان اشک‌آلودتان را به جای دستمال با دامن پیراهنتان پاک می‌کنید و «لعنت بر شیطان» می‌گویید، در آن حال اگر می‌خواهید بدانید که به چه کسی می‌خندید، این‌ها به دست بگیرید و سیمای مبارک خود را در آن ببینید!...» بدین ترتیب، ادبیات رئالیستی و طنز در غالب مطبوعات ایران شروع به رشد و فعالیت نموده، در این راه می‌بینیم که حتی هنر تصویری تغییر کلی می‌کند و هنرمندان نقاش در روزنامه‌ها آثار رئالیستی، رئالیسم انتقادی و کاریکاتور به وجود می‌آورند. تصاویر هجو و کاریکاتور در ایران با پیروی (و گاهی با تقلید صرف) از شیوه آثار نقاشان ملانصرالدین شروع شده و ... بیش از پنجاه سال تأثیری عمیق در کیفیت و تکنیک آثار کاریکاتور در ایران به‌جای می‌گذارد.

اما آنچه بی سابقه بود و برای نخستین بار در فرهنگ ایران تجربه شد، تصاویرهای طنزآمیز و نقش‌های انتقادی بود که به زودی در جامعه جا باز کرد و به اسم کاریکاتور محبوبیت زیادی پیدا کرد. اغلب مردم در آن دوره بی‌سواد بودند و طبیعی است که هنرهای بصری در چنین جامعه‌ای قدرت افزون‌تری داشته باشد.

الگوی بی‌چون و چرای این نگاره‌های انتقادی و فکاهی، نقاشی بود به نام «صابر» که اسم اصلیش عظیم‌زاده بود و تصویرهای مجله ملانصرالدین را می‌کشید.

«کاریکاتوریست برجسته ملانصرالدین، عظیم عظیم‌زاده (متولد ۱۸۸۰، متوفای ۱۹۴۳ میلادی) بود که از طریق کپی و تقلید کارهای ملانصرالدین کارش را آغاز نمود. پس شروع به کشیدن کاریکاتورهایی با موضوعات بسیار حاد اجتماعی کرد که آن زمان، روزنامه‌ها خواهان و خریدار آنها بودند. طولی نکشید که این آثار عنوان «صابر کاریکاتوریست» را برایش کسب کرد. زیرا مضامین مورد علاقه وی در این آثار همان‌هایی بود که صابر، شاعر شوخ طبع مجله ملانصرالدین، هم به تند و تیزی به آنها می‌پرداخت. مضامین این دوره از کارهای عظیم‌زاده عبارت بودند از انتقاد از آداب و رسوم - عقیده او سخیفی - مانند تماشای «جنگ خروس‌ها»، «جنگ قوچ‌ها» و «جنگ سگ‌ها»، که همه روزه در میدان و معابر شهرها ترتیب داده می‌شد و جمعیت عظیمی برای تماشای آنها گرد می‌آمد. مضامین دیگری که موضوع کاریکاتورهای عظیم‌زاده قرار گرفته، عبارت‌اند از نابرابری‌های اجتماعی مانند: «عروسی اغنیا و عروسی فقرا»، «ماه رمضان اغنیا و ماه رمضان فقرا»، و موقعیت زنان در جامعه آن روز آذربایجان که این مضامین در آثار عظیم‌زاده جاودانه شده‌اند.

ادامه دارد



رضا رحیمی

از فرمایشات ما ازدواج جوانان و تحریم‌ها

آنچه می‌خواهیم بفرماییم؛ هیچ ربطی و بلکه هیچ دخلی به آنچه که پیش از ما، دستیار ویژه رئیس جمهور، همین چند سال پیش فرمودند، ندارد. برای این که فرمایش ما از فرمایش ایشان جدا شود، اجازه بدهید همین ابتدای این مقال و قبل و قال، فرمایش ایشان را از سال ۱۳۹۴ نقل کنیم که ببینند یادم‌ان نرفته است، و سپس به فرمایش خودمان بپردازیم که مثل همیشه متین و معقول است. مگر خلافتش ثابت شود.

**اصل فرمایش:** «جوانان استطاعت مالی برای ازدواج ندارند و دولت وظیفه دارد این مشکلات را بر طرف کند و امیدواریم با لغو تحریم‌ها این مشکلات بر طرف شود.» - منبع موثق

**فرمایشات ما:** هر چند که از حیث دستوری، «فرمایشات» غلط است، اما این یک غلط هم روی سایر غلط‌های ما... فقط دیکته نانوشتن غلط ندارد. حالا اصل فرمایش متین ما در باب اثرگذاری تحریم‌های ناجوانمردانه بر روی ازدواج‌های جوانمردانه هم همین است که واقعا اثرات منفی و بازدارنده دارد. طرف چه چیز به اش آماده است و خانه بختش هم مهیا و مشکل مکان و مسکن برای مهرورزی هم ندارد؛ اما تاریخ ازدواجش را مشخص نمی‌کند. معتقد است که بعد از رفع تحریم‌ها اعلام خواهد کرد. ای بسا که که دلواپس نرخ مهریه است.

**نمونه‌های دیگر:** به نظر مبارک ما - و امثال ما - نه تنها تحریم‌ها با کاهش ازدواج‌ها در ارتباطی تنگاتنگ و بلکه هم شدیدتر می‌باشد، که بر روی خیلی از چیزهای حساس دیگر هم اثرگذار است و تأثیرات منفی و بازدارنده دارد. برای این که عرایض ما مستند باشد، ذیلاً به چند نمونه آزمایش شده و چند صحنه مشاهده شده دیگر، توجه بفرمایید:



**۱- صحنه ای در منزل:** مهمان خانه دارد خداحافظی می‌کند که به سلامتی برود. ظاهراً شارژ اینترنت صاحبخانه تمام شده است. دم در مشغول باز کردن گره بند کفش خود است که گرهش گویا کمی سفت شده و به سختی باز می‌شود. با عصبانیت می‌گوید: «لعنت به این تحریم‌ها... چقدر سفت شده این گره بند کفشم!»

**۲- صحنه ای در مغازه:** مشتری دارد به شانه تخم مرغ نگاه می‌کند و زیر لب زمزمه می‌کند: «شانه‌هایت را برای گریه کردن دوست دارم» و از مغازه دار علت گرانی تخم مرغ را می‌پرسد. صاحب مغازه می‌گوید که به خاطر تحریم هست. اگر تحریم‌ها برداشته شود، مرغ‌های مملکت دوشیفته کار می‌کنند. جای کار بیشتر دارند.

**۳- صحنه ای در درمانگاه:** مرضی در حال آماده شدن برای تزریق آمپول در ناحیه مورد نظر است. آمپول زن کاربلد از آمپول خور کارکشته می‌خواهد که همکاری کند: «شل کن... شل کن!!» اما با این وجود (!) چنان تزریقی می‌کند که صدای طرف به آخ بلند می‌شود. آمپول زن عذرخواهی می‌کند که: «ببخشید؛ مملکت در شرایط تحریم است و بهتر از این نمی‌شد زد!»

**۴- صحنه ای در بانک:** اقسشار یارانه بگیر، تماماً صف کشیده اند که یارانه شان را دریافت کنند. یکی از دهک‌های پایین جامعه به دهک دیگر می‌گوید: «آخه تا کی همش ۴۵ تومان...؟ مگه هر سال قیمت‌ها ثابت مانده که مبلغ یارانه تکان نمی‌خورد؟» یکی از دهک‌های همدرد، دست روی شانه اش می‌گذارد که: «ای عزیز دل برادر؛ بگذار تحریم‌ها برداشته شود؛ آن وقت یارانه اشخاص پولدار و برخوردار قطع می‌شود و در عوض یارانه ما بیشتر می‌شود. دعا کن تخم تحریم‌ها وریفتد برادر!»

**۵- صحنه ای در کوچه:** به شخصی که خودرو خود را در عرض پیاده رو پارک کرده، می‌گویم: «عزیز من (طرف آقا است)؛ چرا مانع رفت و آمد مردم شده ای؟ مگر این کار، تضییع حق الناس نیست؟» عصبانی می‌شود و می‌گوید: «نفستت از جای گرمی در می‌آید. با وجود این تحریم‌ها چه توقعاتی داری!»